

انسجام ملت و دولت نیاز امروز

سرمقال | صفحه ۲

آخرین خبر

۳۵۰۰ نفر از اهالی فرهنگ و رسانه:

• خشم مقدس ایرانیان، رئیس جمهور

مجرم آمریکا را نابود خواهد کرد

صفحه ۳

مروری بر دلایل حمایت رهبر انقلاب از دولت و مسئولین

انسجام ملت و دولت؛ نیاز امروز

سرمقاله



«بگذارید اینها [مسئولان] کارشان را بکنند.» این توصیه‌ی مؤگد حضرت آیت الله خامنه‌ای در بیانات چند روز اخیر، به مردم و نخبگان جامعه است. حضرت آیت الله خامنه‌ای در این بیانات فرمودند: «من از اینکه به رؤسای کشور، به رئیس جمهور و دیگران در یک چنین شرایط مهم بین المللی و داخلی اهانت بشود، بشدت پرهیز میکنم و نمیگذارم و منع میکنم، نهی میکنم... توصیه‌ی مؤگد من نسبت به شخص رئیس جمهور و مسئولین قوا، رؤسای دیگر قوا و رؤسای فعال کشور است. بگذارید اینها کارشان را بکنند، تلاششان را بکنند و خدمت بزرگی را که بر عهده دارند انجام بدهند.» ۱۴۰۴/۱۰/۲۷ ● «این توصیه مهم در تمام دولتها وجود داشته است و سیره همیشگی معظم له حمایت از مسئولان بوده است. رهبر انقلاب بارها فرموده‌اند: «دأب بنده این است که همیشه از همه‌ی دولتها که بر سر کار هستند حمایت میکنم؛ امروز هم همین جور است، بعد از این هم ان شاء الله تا زنده هستیم همین جور خواهد بود.» ۱۳۹۶/۳/۲۲ ●

انسجام ملی، نقطه محوری شرایط کشور

نکته مهم اینجا است که در دوران کنونی، شرایط مهم بین المللی و داخلی اقتضا میکند حمایت از دولت و کمک به مسئولان، ضرورت بیشتری داشته باشد. حال سؤال این است که کشور، امروز با چه شرایطی مواجه است؟ واقعیت این است که شرایط کنونی جامعه، همه بر محور (انسجام ملی) رقم می‌خورد. اما انسجام ملی به این معناست که «دولتها در نظام اسلامی باید مورد حمایت مردم قرار بگیرند؛ حتی از سوی آن کسانی که به این شخص خاص در دولت رأی ندادند هم باید مورد پشتیبانی و حمایت قرار بگیرند. این حرف حقیقی ولّ معنای انسجام اجتماعی و ملّی در کشور اسلامی ما است.» ۱۳۹۴/۱/۱۰ ●

همین اتحاد ملت و دولت، عامل پیروزی ما بر دشمن بود. هدف دشمن در این جنگ، به میدان آوردن مردم علیه نظام بود؛ اما «خداوند نقشی که آنها را باطل کرد، این نقشه را خدای متعال باطل کرد؛ مردم را به پشتیبانی دولت، به پشتیبانی نظام وارد میدان کرد. مردم وارد میدان شدند اما درست در نقطه‌ی مقابل آن جهتی که دشمن محاسبه کرده بود و نقشه کشیده بود.» ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ ● اتحاد و انسجام ملی و میان ملت و دولت چنان اهمیتی دارد که حضرت آیت الله خامنه‌ای پس از دوران جنگ دوازده روزه، هفت تکلیف راهبردی را بر عهده مردم و مسئولان گذاشتند. اولین آنها این بود که «حفظ اتحاد ملی وظیفه‌ی یکایک ما است.» ۱۴۰۴/۰۵/۰۳

ضرورت کمک به دولت در شرایط کنونی

دقت در بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای نشان می‌دهد ایشان بعد از جنگ دوازده روزه، از دولت و رؤسای دیگر قوا و مسئولان نظام بیشتر حمایت کرده‌اند. شرایط بین المللی حاکم بر جبهه مقاومت مانند غزه و لبنان، و وحشیگری و غارتگری آمریکا نسبت به دولتهای جهان از طرفی، و شرایط داخلی مانند مشکلات اقتصادی، جنگ دوازده روزه، اغتشاشات تروریستی و جنگ تبلیغاتی دشمن، از طرفی دیگر اقتضا می‌کند انسجام و همبستگی ملی، روز به روز قوی تر شود. به طور کلی باید توجه داشت «علائم زیادی وجود دارد که نظم کنونی جهان دارد تغییر پیدا میکند و نظم جدیدی بر جهان حاکم خواهد شد.» ۱۴۰۱/۰۸/۱۱ ● اینجا سؤال مهمی پیش می‌آید که «نقش ما ایرانی‌ها، جایگاه ما

بگوییم آقا این دفعه چرا شما پا روی ترمز گذاشتی، چرا رفتی دنده فلان، چرا رفتی این طرف، این که اصلاً نمی‌شود. باید اعتماد کرد. وقتی نشستیم، این آدم را قبول کردیم و گفتیم که در این جا این مسئولیت را انجام دهد، طبعاً باید اعتماد کرد.» ۱۳۷۷/۱۱/۱۳ ● این سخن بدان معنا نیست که اعتراض، تذکر و انتقادی نداشته باشیم؛ بلکه «تذکر دادن هیچ اشکالی ندارد اما این تذکر بایستی جوری باشد که اعتماد عمومی را از کسانی که مسئولند و مشغول کارند، سلب نکند.» ۱۳۹۴/۰۱/۰۱ ● منطق این سخن نیز واضح است؛ زیرا «همه‌ی دولتها هم نقاط مثبتی دارند، [هم] نقاط منفی‌ای دارند؛ هیچ دولتی نیست که بگوید من همه‌ی نقاط مثبت است یا کسی بگوید همه‌ی نقاط منفی است؛ نه، مثبت و منفی مخلوط است.» ۱۳۹۳/۰۴/۱۶ ● نکته مهم اینکه «نسبت به دولتهای گذشته، بهتر این است که نقد به صورت کارشناسی انجام بگیرد؛ نقد در منبرهای عمومی خیلی مصلحت نیست.» ۱۳۹۳/۰۴/۱۶ ●

در معرض خطر قرار دادن اصل نظام، خیانت است

افراد انقلابی دو نوعند: انقلابی مثبت و انقلابی منفی. «از اول انقلاب دو گونه انقلابی داشتیم و انقلابیون ما دو گونه نقش ایفا کردند. بعضی از انقلابیون، انقلابیون مثبت بودند؛ بعضی از انقلابیون هم انقلابیون منفی بودند.» ۱۳۷۹/۱۲/۰۹ ● «انقلابی مثبت»، کسی است که با «مسئولیت‌پذیری» اهل «کار و تلاش و حرکت امیدوارانه» است و از «یأس و منفی‌بافی» به دور است. در این نگاه انقلابیگری حقیقی، همراه کردن نقد و اعتراض و مطالبه‌گری با ارائه‌ی راه حل و کار ایجابی است. اساساً «در اسلام هم نهی از منکر با امر به معروف همراه است، نهی از منکر همان اعتراض است، امر به معروف یعنی ارائه‌ی راه حل... بنابراین مطالبه‌گری را حتماً با ارائه‌ی راه حل همراه کنید.» ۱۳۹۹/۰۲/۲۸ ●

بنابراین رفتار انقلابی مثبت باید کاملاً مبتنی بر بصیرت و درک شرایط باشد. «انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرایط زمانه را درک کند. مسئله این جور ساده نیست که یکی را رد کنیم، یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم؛ اینجوری نمیشود.» ۱۳۸۹/۰۷/۲۹ ● در تشخیص مصداق دوست و دشمن باید هوشیار بود. «بی‌دقتی در مصداقها، گاهی اوقات ضررها و ولطمات بزرگی خواهد زد.» ۱۳۸۸/۰۹/۰۴ ● راه این است: «در دفاع از نظام اسلامی، در دفاع از کشور ایران، ایران عزیز، همه با هم باشند، در کنار هم باشند.» ۱۴۰۴/۱۰/۲۷ ●

ایرانی‌ها در این نظم جدید چیست؟ ۱۴۰۱/۰۸/۱۱ ● اولین وظیفه‌ای که «شرایط کشور و اهدافی که ما برای خودمان ترسیم کرده‌ایم در جمهوری اسلامی، اقتضا میکند که همه به قوه‌ی مجریه... کمک کنند؛ رهبری کمک کند، مردم کمک کنند، روشنفکرها کمک کنند، نخبگان کمک کنند؛ قاعده‌اش این است.» ۱۴۰۲/۰۶/۰۸ ●

در انتقاد از مسئولین تقوا را رعایت کنیم

یکی از الزمات کمک به دولت و مسئولان، شیوه صحیح انتقاد است. کسانی که انتقادات و اعتراضات شدیدی به دولت دارند، به ویژه زمانی که دولت از جناح سیاسی آنها نباشد، باید «تقوای نقد» را درباره دولت رعایت کنند. لذا «اگر به نام عدالت خواهی و به نام انقلابیگری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام منحرف شده‌ایم.» ۱۳۸۹/۰۴/۰۷ ● این که کسی تصور کند تخریب دولت به خاطر نظام و انقلاب، ناشی از تقوای اوست، تصور نادرستی است. این تقوا نیست. «مبادا خیال کنید تقوا این است که انسان مخالف خودش را زیر پا له کند؛ نه، عدالت و وزیدن با تقوا موافق است.» ۱۳۸۹/۰۴/۰۷ ●

با این توصیف (پشتیبانی و حمایت از قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه و مسئولین بالای کشور لازم است و تضعیف آنها حرام است. همه باید این را رعایت کنند.) ۱۳۶۸/۰۷/۱۲ ● «اگر اعتراضی به بخشی از دولت وجود داشته باشد، نباید دولت را تضعیف کرد.» ۱۳۸۰/۱۰/۱۲ ● زیرا «تضعیف این پایه‌ها، تضعیف انقلاب و نظام و به تأخیر انداختن اهداف والای این نظام است. این را همه متوجه باشند.» ۱۳۸۰/۱۰/۱۲ ● «این جور نباشد که چون بنده خبر ندارم از کاری که دیگری کرده، همین طور مدام ایراد کنم که آقا چرا چنین و چرا فلان [است]؟» ۱۴۰۴/۱۰/۲۷ ● خلاصه اینکه گفتن اعتراض، اشکالی ندارد، «منتها اولاً لحنی که برای بیان اعتراض و بیان انتقاد انتخاب میشود لحن قابل قبولی باشد؛ ثانیاً بعد از تحقیق باشد، بعد از اطلاع‌یابی باشد.» ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ ●

چرا باید به دولت کمک کنیم؟

تصور کنید «شما وقتی سوار اتوبوسی می‌شوید، طبیعی است که این اتوبوس یک وقت تند می‌رود، یک وقت کند می‌رود... اگر بنا باشد در هریک از این قضایا به راننده

آخرین خبر

۳۵۰۰ نفر از اهالی فرهنگ و رسانه:

خشم مقدس ایرانیان، رئیس جمهور مجرم

آمریکارانا بود خواهد کرد

۳۵۰۰ نفر از اهالی فرهنگ و رسانه در بیانیه‌ای مشترک و در حمایت از رهبر انقلاب و اتحاد مقدس ملت نوشته‌اند:

ما جمعی از اهالی فرهنگ و رسانه‌ی ایران اسلامی، هم‌صدا با مسئولین ارشد کشور، حوزویان، اصناف، اقشار مختلف و عموم مردم ایران، توهین و قبحانیه‌ی رئیس‌جمهور آمریکا به رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران را عمیقاً محکوم نموده و به دونالد ترامپ، این «شیطان مجسم»، پیشنهاد می‌کنیم که خاطرات دو حمله‌ی مشروع و مقتدرانه‌ی جمهوری اسلامی ایران به پایگاه عین‌الاسد در سال ۱۳۹۸ و پایگاه‌های متعدد در سال ۱۴۰۴ را خوب به خاطر بیاورد.

طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن

انفاق؛ برآورده‌کننده‌ی یک نیاز راستین

باتقوایان چه کسانی هستند؟! «الَّذِينَ يُتَّقُونَ فِي الْسَّرِّ وَالْأَعْيَانِ». انفاق؛ این یک شرط باتقوا بودن است. انفاق با خرج کردن فرق دارد. خرج کردن یعنی اینکه انسان یک پولی را خرج کند. انفاق خرج کردن است، اما نه هر خرج کردنی. انفاق آن خرج کردنی را می‌گویند که به آن، یک خلایی پربشود، یک نیاز راستینی برآورده بشود. کجایند آن کسانی که میلیون‌ها خرج می‌کنند، به ظاهر هم برای کارهای نیک خرج می‌کنند، تا از زبان قرآن به آنها بگوئیم که بدبخت‌ترین مردمند، زیرا کارشان انفاق نیست. قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا* الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (سوره کهف، آیه ۱۰۳ و ۱۰۴) | کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن / جلسه اول

پدرانه

تربیت نسلی برای برافراختن پرچم تمدن

نوین اسلامی

راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟ راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیتی که آن خصوصیات اینهاست... بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه‌ی کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه نکند و به تعبیر امیرالمؤمنین «أَعْرِضْ عَنْ حُمُومِكَ»؛ زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی؛ معنای انقلابی این است.

۲۸/۰۷/۱۳۹۵ | ۱۱ | نهج البلاغه، خطبه ۱۱

از شما می‌خواهیم

فرصت جوانی را غنیمت بدارید

شما جوانید. بزرگترین سرمایه‌ی جوان، دل پاک و نورانی اوست. عزیزان من! از این دل نورانی استفاده کنید. رابطه‌تان را با خدای متعال مستحکم کنید. اگر جوان که آمادگی دارد، بتواند با خشوع، با ذکر، با تضرع، با توسل، دل خود را با خدای متعال آشنا کند، همان چیزی خواهد شد که مصداق «نور علی نور» است؛ نور معرفت الهی به دل‌های شما خواهد تابید. از گناه دوری کردن، با خدا انس گرفتن، نماز را مغتنم شمردن، جزو کارهای مهم است. ۱۳۸۹/۰۸/۰۳

تاریخ بخوانید

تاریخ یعنی شرح حال ما، در صحنه‌ای دیگر. هر کدام باید ببینیم در کدام قسمت داستان قرار گرفته‌ایم. ۱۳۷۵/۳/۲۰

تاریخچه تهاجم فرهنگی به ایران

تهاجم فرهنگی، از چه وقت شروع شد؟ مشخصاً از دوران رضاخان شروع شد. البته قبل از او، مقدمات آن، فراهم شده بود. کارهای فراوانی شده بود؛ روشنفکران وابسته، در داخل کشور ما کاشته شده بودند. نمی‌دانم آیا جوانان نسل ما و نسل انقلابی، تاریخچه‌ی این صدوپنجاه، دویست سال را درست خوانده‌اند یا نه؟ من همه‌ی دغدغه‌ها این است که جوان انقلابی امروز، نداند ما بعد از چه دورانی، امروز در ایران مشغول چنین حرکت عظیمی هستیم. تاریخچه‌ی این صدوپنجاه، دویست سال اخیر - از دوران اواسط قاجار به این طرف؛ از دوران جنگ‌های ایران و روس به این طرف - را بخوانید و ببینید چه حوادثی بر این کشور گذشته است. یکی از این حوادث، ایجاد جریان روشنفکری وابسته است. نمی‌شود بگوئیم در ایران روشنفکر نداشتیم.

همیشه و در همه‌ی عصرها و دورانها، روشنفکرانی بوده‌اند؛ مردمانی که جلوتر از زمان خود را می‌دیدند و بر همین اساس می‌اندیشیدند و حرکت می‌کردند. اما غرب مسلط به فن‌آوری و علم، روزی که خواست در ایران، پایگاه تسلط خودش را مستحکم کند، از راه روشنفکری وارد شد. از میرزا ملکم خانها و امثال اینها، تا تقی‌زاده‌ها، این روشنفکری دوران قاجار است که بیمار متولد شد. روشنفکری ایران، متأسفانه بیمار و وابسته متولد شد. چند نفری هم که آدم‌های سالم و خالصی بودند، گم شدند. بقیه، وابسته بودند. بعضی وابسته به روسیه‌ی آن روز - مثل میرزا فتحعلی آخوندزاده - یا وابسته به اروپا و غرب - مثل میرزا ملکم‌خان و امثال اینها بودند.

این کارها در داخل ایران شده بود؛ لکن بردی نداشت. کسی که به نفع فرهنگ غربی - یعنی در حقیقت، به نفع سلطه‌ی غرب بر ایران - و به نفع استعمار به وسیله‌ی انگلیس، در آن روز بزرگترین قدم را برداشت، رضاخان بود. شما ببینید این کارها در وضع امروز چقدر رسواست، که پادشاهی بیاید و یکبار لباس ملی یک کشور را عوض کند؛ این مرد قلدر نادان بی‌سواد - رضاخان - آمد و در اختیار دشمن قرار گرفت. ناگهان لباس این کشور را عوض کرد؛ بسیاری از سنتها را عوض کرد؛ دین را ممنوع کرد؛ کارهایی کرد که همه شنیده‌اید و در دوران پهلوی‌ها انجام گرفته است؛ آن هم با قلدری. او به چهره‌ی محبوب غرب - یعنی استعمارگران -

تبدیل شد. ۱۳۷۱/۰۵/۲۱

خانواده؛ مهمترین نهاد اجتماعی

قهرمانان پشت خطوط نبرد

خانواده‌های عزیز رزمندگان ما، چه رزمندگان ارتش، چه سپاه، چه بسیج، چه نیروی انتظامی، چه کارکنان وزارت دفاع و همسران آنها بدانند که به چه کسی دارند کمک میکنند، شریک زندگیشان کیست. شریک زندگی شما جزو کسانی است که در این بنای رفیع و باشکوه، نقشهای حساس دارد؛ نیروهای مسلح این جورند دیگر. به تعبیر امیرالمؤمنین: «حِصُونُ الرَّعِيَّةِ»؛ حصارهای رعیتند، حصارهای ملتند، حصارهای معنوی کشورند. وجود نیروهای مسلح مستقل، آگاه، مبتکر، شجاع، فداکار، بدون اینکه گلوله‌ای هم شلیک بکنند، برای یک کشور امنیت‌آور است؛ دشمنان را سر جای خودشان مینشانند. یک چنین اهمیتی دارند نیروهای مسلح. شما همسران اینها هستید. شما مردها هر فضیلتی را که میتوانید در میدان مجاهدات عمومی و بزرگ به دست بیاورید، نصفش مال این خانمی است که با شما شریک زندگی است، با شما دارد زندگی میکند. اگر همسر یک کسی که وارد میدان است - وارد میدان مجاهدت و کار و تلاش - با او همراه نباشد - یا نقی بزند یا مزاحمت کند یا زندگی با او را ساخت بداند، همراهی نکند با او - او نمیتواند کار بکند. اگر خوب میتوانید کار کنید، ناشی از برکات وجود این همسر خوب و مهربان است.

این را خود همسران، اول تشخیص بدهند. خود شما قدر بدانید همسری مردی را که زحمت میکشد و نصف اجرش مال شماست. مردی را که در بنای رفیع نظام جمهوری اسلامی و نظام اسلامی نوین - که ان شاء الله زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی است - نقش دارد، شما قدر بدانید. این مردی که همسر شماست، با این هویت پیش شما شناخته بشود. فرزندان هم همین جور. بچه‌ها و فرزندان کارکنان نیروهای مسلح باید افتخار کنند، ببالند به پدرانشان. ۲۸/۰۶/۱۳۹۱

مالکیت انسان در دنیا مالکیت مجازی است

ما در دنیا چیزی به نام مالکیت داریم؛ این مالکیت حقیقی نیست؛ مالکیت مجازی است، مالکیت قراردادی است. حتی ما مالک جسم خودمان نیستیم. چطور ما مالک جسم خودمان هستیم که تحولات این جسم برخلاف نظر ما، برخلاف اراده‌ی ما و خارج از قدرت ما است؟ این جسم درد میگیرد، این جسم نابود میشود، این جسم فاسد میشود، ما هیچ گونه تسلطی حتی بر این جسم خودمان نداریم... این چه مالکیتی است؟ ... بله، به انسان یک قدرت ویژه‌ای از طرف پروردگار داده شده در مقابل حوادث زندگی خودش... و آن، قدرت علم و اراده‌ی انسانی است اما همین قدرت علم و اراده، در مقابل حقایق این عالم و در مقابل اراده‌ی الهی و قدرت الهی هیچ است. خود آن قدرت، محکوم قدرت الهی است، محکوم اراده‌ی الهی است. ● ۱/۲۱/۱۳۷۰ | بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در جلسه تفسیر سوره حمد

حدیث زندگی

مناجات شعبانیه؛ شاهی بر عظمت ماه شعبان

ماه شعبان با قطع نظر از عیادش هم ماه بسیار مهمی است؛ اَلَّذِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدَأُ فِي صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ فِي لَيَالِيهِ وَ آتِيَامِهِ بِخُوعٍ لَكَ فِي إِكْرَامِهِ وَ إِعْظَامِهِ إِلَى مَحَلِّ جَمَاعِهِ؛ پیغمبر تا آخر عمر با این ماه این جور رفتار میکردند. بعد هم [از خدا میخواهیم] که «فَاعْتَنَا عَلَى الْإِسْتِنَانِ بِسُتَيْهِ فِيهِ». خود این مناجات شورا نگیزی هم که روایت شده است و نقل شده است در این ماه، شاهد بر عظمت این ماه است. این فقراتی که در این مناجات شریف و عزیز وجود دارد، در کمتر [جایی هست]. البته همه‌ی دعاها را در اختیار ما که مأثور از ائمه علیهم السلام است، دعاها را پُر مضمون پُر محتوای فوق العاده است، همه فوق العاده است - آنها را که حالا مأثور است و معلوم است - لکن مثل این مناجات انصافاً کم داریم. من یک وقتی از امام علیه السلام سؤال کردم، گفتم شما در بین این دعاها که هست، به کدام دعا بیشتر علاقه دارید یا بیشتر اُنس دارید - حالا تعبیر خودم یادم نیست؛ یک سؤال این جور کردم - ایشان یک تأمل مختصری کردند، گفتند دعای کمیل و مناجات شعبانیه. ● ۱۴۰۰/۱۲/۱۹ | ۱ مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، جلد ۲، صفحه: ۸۲۸ / مفاتیح الجنان - صلوات شعبانیه

کلام امام، نقشه راه انقلاب

مناجات شعبانیه را بخوانید آقا!



مناجات شعبانیه را خواندید؟ بخوانید آقا! مناجات شعبانیه از مناجات هایی است که اگر انسان دنبالش برود و فکر در او بکند، انسان را به یک جایی می رساند. آن کسی که این مناجات را گفته و همه ائمه هم به حسب روایت می خواندند، اینها، آنها را بودند که وارسته از همه چیز بودند. ذلک مع آن طور مناجات می کردند، برای اینکه خود بین نبودند. همه هیچ اند و اوست فقط، همه هم دنبال او هستند، همه فطرت ها دنبال او هستند. صحیفه امام، جلد ۱۹، صفحه: ۲۵۳

یاد

به مناسبت چهارم ماه شعبان؛ میلاد حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و روز جانباز

دست اما حکایتی دارد، رَحِمَ اللَّهُ عَمِّي العباس

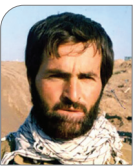
وقتی که در مسجدی که من بودم بمب منفجر شد، از وقتی که بار اول بر زمین افتادم - که البته نفهمیدم چطور شده که افتادم - تا وقتی که به کلی بیهوش شدم، سه مرتبه، برای لحظاتی به هوش آمدم و هر دفعه هم یک احساسی داشتم. آن حالات، هیچ وقت از یاد من نمرود. حالا یکی را عرض میکنم: در یکی از حالات، احساس کردم که دارم میروم؛ یعنی احساس کردم که مرگ در مقابل من است. کاملاً در آن مرز عالم برزخ، خود را دیدم و احساس کردم که در آن حال، انسان هیچ دستاویزی به جز خدا ندارد؛ هیچ دستاویزی! آن جا انسان احساس میکند که مثل پرکاهی بین زمین و آسمان است. از همه چیز منقطع میشود. من این حالت انقطاع را در آن وقت احساس کردم و پیش خدای متعال، تضرع نمودم و گفتم: «پروردگارا! ببینی که من چقدر دستم خالی است و چیزی ندارم و محتاجم! اگر تفضلی بکنی، کرده‌ای و الا ما رفته ایم.» منظوم مردن نبود؛ رفتن از وادی سعادت بود. بعد، بیهوش شدم و چیزی نفهمیدم. ● خاطرات خود گفته‌ی حضرت آیت الله خامنه‌ای

منشور معنوی انقلاب

فرازی از وصیتنامه شهید سید حسین روح الامین

به دنبال شناخت اسلام بروید

ای دوستان به دنبال شناخت اسلام بروید اگر اسلام را شناختید، اگر امام علیه السلام را شناختید، به آنچه که می خواهید می رسید، به خدا فکر کنید و به فردای قیامت، به آن آتش جهنم و نعمتهای خدا در بهشت، دست از مال دنیا و هواهای نفسانی بردارید... ای مردمی که در صحنه هستید به گلزار شهدا بروید و از این عزیزان درس بیاموزید. و فرزندان خود را چون اینان بزرگ کنید.



۱۳۴۴/۱۲/۰۷

مزار گلزار شهدای اصفهان

«حوالی احمد»

ناشر: شهید کاظمی

نویسنده: فائزه غفاردادی

۳۷۰



«حوالی احمد» کتابی برای ستایشگری نیست؛ کتابی برای جست وجو است. مخاطب اگر می خواهد بداند چگونه یک آدم معمولی با تمام احتمالات احتمالی، به جایگاهی می رسد که یک ملت به او تکیه کند، باید هجده روایت کتاب را بخواند. در این کتاب، مخاطب نه با یک احمد کاظمی، بلکه با هجده زاویه دید از او روبرو می شود.

«احمد کاظمی که بود؟» جستجوی پاسخ برای این پرسش، نویسنده کتاب «حوالی احمد» را به مسیری پرفراز و نشیب کشاند. مسیری که از پس بیست سال سکوت و غبار، به تصویری عریان، واقعی و بی ترس از یکی از بزرگترین فرماندهان تاریخ معاصر ایران منتهی شد. کتاب شامل هجده روایت است.

راوی ها کسانی هستند که در مدار کاظمی زیسته اند. ویژگی منحصر به فرد کتاب است که بعضی از راوی ها برای اولین بار برای گفتن از کاظمی زبان باز کرده اند.

یکی از تکان دهنده ترین بخش های کتاب، روایت همسر شهید است. کسی که بیست سال تمام در سکوت، بار دل تنگی و خاطرات را به دوش کشیده و حالا راضی شده پرده از رازهایی بردارد که هیچ فرمانده و سربازی از آن خبر نداشت.

با همه اینها اما کتاب فقط به خانواده محدود نیست. نویسنده به سراغ آدم های دیگری هم رفته است؛ کسانی که شاید در نگاه اول ارتباطی با جنگ نداشته اند اما فضای ذهنی و فکری و وجودی احمد را به خوبی درک کرده اند. ارادت حاج قاسم سلیمانی به کاظم هم فصلی شنیدنی از کتاب است. حاج قاسم بارها لب به سخن گشوده بود که در رضای احمد، رضای خدا را می جسته و او را الگوی خود می دانست. نویسنده در کتاب، لقمه جویده شد تحویل مخاطب نمی دهد. او مخاطب را در برابر چشم ها، لرزش صداها و سکوت های معنا دار راویان قرار داده و تمام جزئیات روایت آنها را توصیف می کند. مخاطب صرفاً مترجم کلمات نیست.

قالب کتاب به گونه ای است که گویی نویسنده دست مخاطب را گرفته و می گوید: «کشف هایتان اینجاست؛ پیوشید برویم». او نمی خواهد مخاطب از دور به تماشای یک عکس یادگاری بنشینید، بلکه می خواهد با مخاطب در حوالی احمد قدم بزند.